ادامه از صفحه اول

شرایط ایران؛ ایستاده در غبار

مذاکره‌نکـردن با آمریکا (به‌حـق، زیرا آمریکا مذاکـره را تـرک کرده اسـت نه ما کـه آنها باید برگردند و جبران مافات بکنند)، دنباله‌روی اروپا از آمریکا، مشی کاسب‌کارانه چین و روسیه، احتمال تصویب‌نشدن FATF و قطع کامل روابط بانکی با دنیا از یک طرف و ناهماهنگی دستگاه‌های اداری داخلی به علاوه رانت‌خواری‌ها و فسـادها حاکی از وضع کنونی و چشـم‌انداز آینده است. اگر اینها پذیرفته شود، می‌توان اولویت‌ها را به رشته تحریر درآورد. البته بسیار بعید است و زمان‌های گذشته نیز نشـان داده باوجود همه شعارها، باور نداریم که «غبار» اسـت و باید در آن«ایسـتاده» باشیم. بالعکس امیدی واهی داریم که سیستم اجتماعی ما تقلیدی از لیبرالیسـم و نئولیبرالیسم و البته از نوع مصرفی و نه تولیدی باشـد و به همین دلیل هرچه‌بیشتر امکانات کشـور صرف مصرف مردم می‌شـود. مصرف بی‌رویه بـرق، آب، گاز و بنزین فقط نمونه‌ای از این اشـتهای مردم به چراغ‌سبز مسـئولان اسـت و شـاید همین امر دولت‌های بالقـوه و بالفعل متخاصم را امیدوار به تسـلیم و سـازش ایران می‌کند. اگر بپذیریم «ایسـتاده در غباریم» باید لوازم این ایسـتادگی را فراهم کنیم. اگر در موضع‌گیری‌ها صادق هسـتیم، باید طرحی نو دراندازیم و مردم را به‌صورت بسـیار شفاف با وضـع آینده یعنی کار فـراوان، بهره‌مندی کمتر و رفـاه پایین‌تر و صدالبته رفع محرومیت محرومان واقعـی آگاه کنیـم. به‌هرحـال با فـرض قبول «ایسـتاده در غبار» اولویت‌ها را می‌توان به شرح زیر نوشت. طبیعی است ردیف‌ها قابل تغییر بوده و برخـی موارد از قلم افتاده باشـد. آنچه می‌آید وحی منزل نیست اما علی‌القاعده به کار می‌آید:

۱- اولویـت حفظ ایران اسـت. حفـظ ایران در اینجـا یعنی حفـظ سـرزمین ایران بـا تمام مشخصات جغرافیایی و سرزمینی آن. در ۴۰ سال اخیر با فداکاری رزمندگان و خون شـهدا مرزهای ایران‌زمین حفظ شده و با تلاش و پایمردی جهادی کارشناسان مهندسی رزمی کشورمان توانایی‌های بازدارنده دفاعـی قابل‌توجهی حاصل شـده که می‌توانـد در دفـاع از ایران بـه کار آید. فراموش نکنیم در دوره قاجاریه و سلطنت فتحعلی‌شاه با برآورد ناقص و ضعیف و شـروع جنگ با روسـیه تزاری سـرزمین قفقاز از دسـت رفـت و قرارداد ننگین ترکمانچای منعقد شد. حداقل این قرارداد می‌تواند سرمشقی باشد برای تجهیز قوا و اجتناب از برآورد ناقص نیروی دشمن. رزمندگان دلاور ما با نثار خونشـان مصداق «چو ایران نباشد تن من مباد» شدند. اخیرا آقای قرائتی گفته‌اند «چو ایران نباشـد تن من مباد» نادرست است؛ بله باید گفت چو حق نباشـد تـن من مباد. جمله اخیر ایشـان درسـت اسـت اما «حق» امری انتزاعی اسـت و هر کس بـه ذهن خود آن را ترجمه می‌کند. نباید این‌چنیـن گفت. دفاع از سـرزمین حداقل یکی از موارد حق اسـت. حفظ ایران به حفظ سرزمینی، مـرزی و امنیت داخلـی آن خلاصه نمی‌شـود. سرزمین ایران شامل هوا، کشتزارها، مراتع، کوه‌ها، رودخانه‌ها، دریاچه‌هـا، جنگل‌ها، باغات، معادن نفـت و گاز و فلـزات و سنگ‌هاسـت. در طـول سـالیان دراز همـه این منابع را صـرف خودمان کرده‌ایـم و به مثابه کالای یک‌بارمصرف آنها را به کار بـرده، تخریب کرده و در آسـتانه نابودی قرار داده‌ایم. مام میهن آسیب‌دیده نمی‌تواند متضمن زندگی مردم درون آن باشد. چرا باید در حالی که امکانات کامل تغذیه مردم کشورمان وجود دارد، گندم، برنج، شـکر، علوفه و... از خارج وارد کنیم. وقتی «ایسـتاده در غباریم»، کشتی‌های ما توقیف می‌شـود و مـراودات بانکی ممکن نیسـت، چرا امکانات داخلی را به کار نگیریم؟ وقتی موشکمان می‌تواند پهپـاد را در فاصله زیاد سـرنگون کند، چرا نتوانیم با تکنولوژی جدید گندم، شـکر، برنج و تخم‌مرغ کافی تولید کنیم. طبیعی اسـت با این کشـاورزی قرون‌وسـطایی باید همچنان به دنبال خرید از کانادا، فرانسـه، روسـیه و شاید عربستان و... باشیم. چرا حرکت بسیجی را در راستای حفظ سرزمینی و تولید مدرن کشاورزی به کار نگیریم. تا وقتی چنین نشویم، آنها می‌دانند که محتاج آنان هستیم و از موضع قدرت سخن می‌گویند.

۲- دوم، تأمیـن حداقـل شـرایط زندگی برای مردم براساس رفع مشکل نیازمندان، محرومان و اقشار ضعیف جامعه است. همچنان که با وجود اقدامات انجام‌شده این مسئله نتوانسته حل‌وفصل شـود و نیاز به ارائه سیسـتمی جامع برای تأمین حداقل‌ها دارد. برعکـس دولتمردان، حکمرانان و کسـانی که تریبون در دست دارند، با وجود این نتوانستن‌ها همواره یا وعده معیشت بهتر به مردم داده‌اند یا از دولت طلب معیشت بهتر برای مردم کرده‌اند در حالی که خـوب می‌دانند با محاصره اقتصـادی و کم‌شـدن توانمنـدی مالـی و ارزی دولت معیشـت بهتـر برای قاطبه مـردم ممکن نیست و طبعا همه فشارها بر مردم می‌آید. جای تعجب اسـت که عالم فرزانـه‌ای مانند آیت‌الله جوادی‌آملی می‌فرماید نباید این فشارها به مردم وارد شود. طبیعی است که وقتی مشکل محاصره اقتصـادی، عدم درآمد نفـت و... وجود دارد تنها قاطبه مردم هسـتند که متحمل فشـار می‌شوند. مگر سیستمی دیگر در جامعه وجود دارد که آنها متحمل فشار شوند؟

ادامه در صفحه ۴

بیانیه بیش از ۱۸۰ فعال سیاسی در واکنش به محکومیت محمدرضا خاتمی

حکم صادرشده را در دادگاه تجدیدنظر نقض کنید

بیـش از ۱۸۰ نفـر از فعالان سیاسـی اصلاح‌طلـب در بیانیه‌ای به محکومیـت محمدرضا خاتمی واکنش نشـان دادنـد. در این بیانیه از قوه قضائیه خواسـته شـده تا حکم دو سـال محکومیت را در دادگاه تجدیدنظـر نقض کند و حق آزادی بیان ایرانیان را محترم بشـمارد. به گزارش جماران، در این بیانیه آمده: «روشن نیست در شرایطی که کشور با تحریم‌هـا و تهدیدهای همه‌جانبه آمریکا مواجه اسـت و جمهوری اسلامی ایران دست‌به‌گریبان یکی از سخت‌ترین چالش‌های تاریخ حیات خویش اسـت، قوه قضائیه با تشـکیل این دادگاه ظاهرا علنی و صدور این حکم در پی اثبات چه چیزی اسـت؟ ما از قوه قضائیه می‌پرسـیم بر اسـاس کدام مـاده قانونی اظهارنظر درباره سـلامت انتخابات جرم تلقی می‌شـود؟». در ادامـه این بیانیـه آمده: «همچنین می‌پرسـیم اگر مسـتند محکومیت آقای خاتمی نشـر اکاذیب است، چرا مسئولان برنامه رودررو به اتهام نشـر این کذب محاکمه نشـده‌اند؟ و چرا قاضی شـاهدان مورد درخواسـت آقای خاتمی را برای روشن‌شـدن حقایق بـه دادگاه احضار نکرد؟ مهم‌تر آنکه چرا به بررسـی شـواهد و آمار و ارقام تقدیمی آقای خاتمی به دادگاه نپرداخت و صرفا به اسـتناد تأیید انتخابات توسـط شـورای نگهبان وی را محکوم کرد؛ شورای نگهبانی کـه اعضای آن با خـروج از بی‌طرفی و اتخاذ موضع به سـود یکی از نامزدها به یکی از مشکلات انتخابات تبدیل شدند؟». ۱۸۰ فعال سیاسی تأکیـد کردند: «آنچه آقای خاتمی در دفاعیات خود گفت، تنها بخشـی از ماجراسـت. این ابهامات در سطح جامعه بسـیار گسترده است». در ادامه بیانیه فعالان سیاسی آمده: «طبق قانون اساسی تعیین سرنوشت کشـور با انتخابات از حقوق اساسی ملت اسـت. بنابراین رفع ابهامات در انتخابات نیز حق ملت اسـت». پای این نامـه را بیش از ۱۸۰ فعال سیاسی، از جمله محسن آرمین، حسـن اسدی‌زیدآبادی، سیدمصطفی تاجزاده، سـعید حجاریان، عبدالله رمضان‌زاده، محسن صفایی‌فراهانی، شهیندخت مولاوردی، عبدالله ناصری و بهزاد نبوی امضا کردند.

«نیازی» به پرسش‌های سخت پاسخ داد یا آسان

سؤالی که نیازی پاسخ نداد: چرا امامی جاسوس بود؟

مهسا جزینی: «... این پرونده به سخت‌ترین و خشن‌ترین وجه ممکن مورد رسیدگی قرار گرفت. آنچه در سازمان قضائی نیروهای مسـلح اتفاق افتاد، به‌هیچ‌وجه کمتر از اصل قتل‌ها نبود. روزی باید از آقای نیازی سـؤالات سختی پرسید!».

این توییت چند ماه پیش حسـام‌الدین آشـنا، داماد وزیر وقت اطلاعات در زمان قتل‌های زنجیره‌ای و یکی از مدیران سابق این وزارتخانه است. حالا نیازی، رئیس سـازمان قضائی نیروهای مسـلح، به برخی سـؤالات پاسـخ داده است؛ اما نه در جواب آشنا، بلکه در پاسخ به مصطفی پورمحمدی؛ اما شـاید مهم‌ترین پرسـش را بدون پاسـخ گذاشته است؛ آیا سـعید امامی واقعا جاسوس بود؟ چرا؟

حجت‌الاسـلام نیازی در انتهـای توضیحی که در پاسـخ به بازنشـر مصاحبه اخیر مصطفی پورمحمدی برای «شـرق» ارسـال کرده اسـت، بیـش از اینکه به پرسشی پاسخ دهد، خودش سؤال‌ها و مسائل جدیدی را طرح کرده و در انتها گفته شـاید پاسخ برخی از آنها در زمانی دیگر منتشـر شـود. برای مثال درباره سعید امامی گفته اسـت: «در آن زمان چون سـمت اجرائی نداشت، نمی‌توانسـت دستوردهنده باشـد و آمر قتل تلقی نمی‌شـود... معاون در قتل‌ها محسوب می‌شود. در پرونـده نیز همین اتهام به او تفهیم شـد و با همین اتهـام برای او قرار نهایی صادر شـد؛ البته معاونی که محور عمل و اقوی از مباشـر اسـت. اظهارات کتبی او در مرجع قضائی وجود دارد که در زمان مناسب منتشر خواهد شد، ان‌شاءالله».

حجت‌الاسـلام نیازی سال‌های آخر دهه ۷۰ رئیس سـازمان قضائی نیروهای مسـلح بود و رسـیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای به او سـپرده شد. در ششم دی همان سال، پرونده قتل‌های زنجیره‌ای با قرار عدم صلاحیت، از دادگسـتری تهران به دادسـرای نظامی تهران ارجاع داده شـد. ۳۱ خرداد ۷۸ حجت‌الاسـلام نیازی، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح، هم‌زمان با اعلام اسـامی چهار نفر از عامـلان اصلی قتل‌ها به نام‌هـای مصطفی کاظمی، مهرداد عالیخانی، خسـرو براتی و سعید امامی، از خودکشی منجر به مرگ سعید امامی یا همان سـعید اسـلامی، معاون پیشین وزارت اطلاعـات و از عاملان اصلی قتل‌ها خبر داد. دادگاه دو سـال پس از قتل‌ها، در سال ۱۳۷۹، تشکیل شد و پس از ۱۲ جلسه غیرعلنی به ریاست قاضی عقیقی، رئیس شـعبه یکم دادگاه نظامی تهران، در دی همان سـال حکم ۱۸ متهم این پرونده را صادر کرد. بر اسـاس این حکـم، چند نفر از متهمان به قصاص، برخی به حبس ابـد و دیگران به حبس‌هایی از دو تا ۱۰ سـال محکوم شـدند. ۲۱ خرداد ۷۹ حجت‌الاسـلام نیازی اعلام کرد پرونده قتل‌های زنجیره‌ای در تاریخ سیاست و قضاوت کشور اسـتثنائی است. به گزارش ایسـنا، او گفته بود: «تـا آنجایی که پرونده در اختیـار ما بوده، صدور حکم شرعی محرز نشد؛ چراکه اساسا متهمان افرادی نیستند که با حکم شـرعی اقـدام به قتل کنند. مـا باید برای این پرونده افرادی را انتخاب می‌کردیم که کارشـناس اطلاعاتی و مورد تأیید باشـند و از طرفی سـوءظن نیز ایجاد نشـود. در آذر سال ۷۸، رؤسـای قوای مجریه و قضائیه رأسا مسئولیت رسـیدگی به پرونده را بر عهده گرفتنـد؛ زیرا این قتل‌ها هم با امنیت ملی گره خورده و هم مهم‌ترین وزارتخانه دولت درگیر ماجرا بود». نیازی با اشـاره به اختیار کامل رئیس‌جمهور در رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای گفته بود: «پرونده مزبور، در تاریخ قضاوت و سیاست ما اسـتثنائی است؛ به همین دلیل هیچ مانعـی برای پیگیری آقـای خاتمی وجود نداشت».

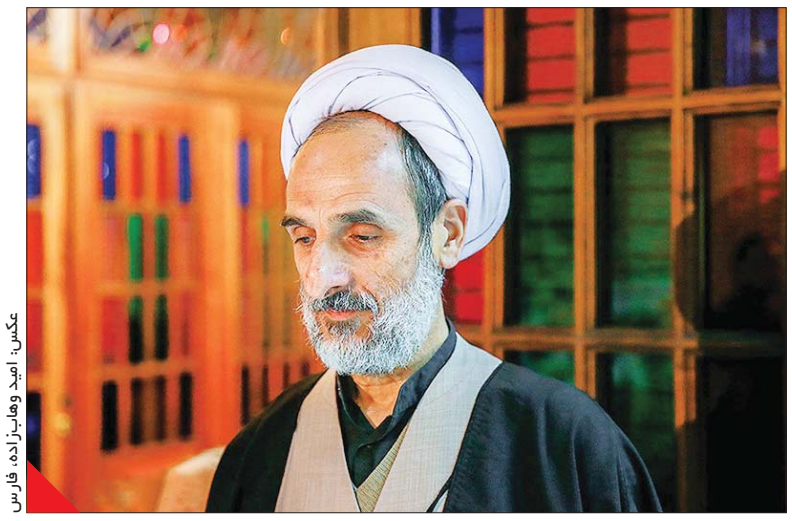

عکس: امید وهاب‌زاده، فارس

خرده بر قاضی جوان

حسـام‌الدین آشـنا در مطلبی که همان سـال‌ها با نام مسـتعار «بهمن شناسـا» در انتخاب نوشـته بود، از سـپردن پرونـده قتل‌ها بـه قضات جوان سـازمان قضائـی نیروهای مسـلح خرده گرفته بود. او نوشـته بود: «سـازمان قضائی نیروهای مسـلح پس از مدتی عضویـت در کمیتـه تحقیق به وزارت رسـید و اکنون برای مختومه‌کـردن پرونده فعالانه می‌کوشـد. عضو دیگر کمیته تحقیق پس از انتقال رئیس خود به وزارت اطلاعات، جای او را در سازمان قضائی نیروهای مسلح گرفت... قضات گمنام سازمان قضائی نیروهای مسلح به مهم‌ترین چهره‌های خبرسـاز تبدیل شدند. آنان در مراحل مختلـف بازجویی از شـگردهای ضدبازجویی متهمان کارکشـته از متهم‌کردن وزیر آغاز کردند و پس از یک‌سال‌ونیم مدعی کشـف بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین شبکه جاسوسی تاریخ این کشور شدند و کار را به جایی رسـاندند که گویا تمام بدنه قضائـی، اجرائی و امنیتی کشور از جاسوسان، فاسقان و فاجران پر شده است».

روح‌الله حسـینیان هم که مانند پورمحمدی مدعی دست‌داشـتن اصلاح‌طلبـان در ماجرای قتل‌هاسـت و برنامـه چـراغ را هم بـا همین هدف سـاخت و از صداوسـیمای زمـان لاریجانـی پخش کـرد، قائل به جاسوس‌خواندن سعید امامی نبود. حسینیان مجادله خود با نیازی بر سـر همین موضـوع را در گفت‌وگو با هفته‌نامـه جبهه در شـماره ۲۷ شـهریور ۷۸ این‌طور روایت کرده اسـت: «گفتم آقای نیازی شما چه دلیلی برای جاسوسـی دارید؟ ایشان فرمودند که آقای سعید اسـلامی در سال ۵۶ و ۵۷ سـال آخر دبیرستان و اول دانشـگاه در آمریـکا درس خواندنـد و در منزل دایی ایشـان که وابسـته نظامی ایران در آمریکا بوده. سؤال کـردم غیرازاین چه دلیل دیگری دارید؟ باز فرمودند که تحلیل سیاسـی قطعی ما این است که جاسوس بوده اسـت. گفتم دلیل قضائی شـما چیسـت؟ بعد شروع کـردم به اشـکال‌کردن... گفت به‌هرحـال این تحلیل ماسـت. گفتم ایـن حرف‌ها را نزنید. آبروی کسـی که خدمت به جمهوری اسـلامی را کـرده می‌برید و بعدا می‌گویید تحلیل ما این اسـت. بعدا جواب خدا را چه می‌دهیـد؟ ... سـؤال کردم آقای نیـازی به‌هرحال من هـم قاضی بوده‌ام و در این کشـور ۱۸ سـال قضاوت کرده‌ام....گفتم آیا سـرپلی گرفتید؟ گفتند نه. گفتم آیا شناسـایی کردید که هنوز دسـتگیر نکردید؟ گفتند نه. گفتم آیا ابـزار و ادواتی گرفتید؟ گفتنـد نه. گفتم آخر پس چطوری می‌آیید چنین ادعایی می‌کنید؟ من خیال کردم که آقای نیازی واقعا همه اطلاعات را نمی‌خواهد به من بگوید. خدمت آقای هاشمی‌رفسـنجانی بعد از ایـن ملاقات رسـیدم و همیـن تحلیل خـودم را ارائه دادم. آقای هاشـمی فرمودند که نـه. همین جمله را هـم گفتم، گفتم من خیال کردم که شـاید آقای نیازی نخواسـته همه ادلّه جاسوسـی را به من بگوید، گفتند نه اتفاقـا خدمت مقام معظم رهبـری هم که بودیم، وقتی سران سه قوه تشـکیل جلسه دادند، آقای نیازی ادلـه جاسوسـی‌اش را همین‌ها مطـرح کردند و من ایراد گرفتم و گفتم آقای نیازی اینها دلیل بر جاسوسی نیست و آقای نیازی هم تا پایان نتوانستند پاسخ بدهند و آخر هم مقام معظم رهبری فرمودند که آقای نیازی بالاخره شـبهه آقای هاشمی جواب داده نشد. این عین عبارتی بود که آقای هاشمی طرح کردند».

اما نیازی در همان توضیحی که برای «شرق» ارسال کـرده، همچنان تلویحـا به نفوذی یا جاسـوس‌بودن امامی اشاره دارد: «توضیحات درباره مسائل دیگری که جناب پورمحمدی مطرح کردند، ازجمله مسئله بسیار مهم نفوذ را به فرصت مناسب دیگری موکول و تنها به یک جمله بسنده می‌کنم: چه ایشان بپذیرند یا رد کنند، فتنه قتل‌های زنجیره‌ای و فتنه ۱۸ تیر ۷۸ و فتنه سـال ۸۸ تردیدی باقی نگذاشت که نفوذ دشمن در دهه‌های گذشـته و در برخی از مراکز مهم و حساس و برخی از مراکز تصمیم‌گیری قطعی است و غیرقابل‌انکار».

نیازی به چه سؤال‌هایی پاسخ داد؟

نیازی اما به برخی سؤالات هم پاسخ داد است. او در پاسـخ به پورمحمدی چند چیـز را رد می‌کند. اول از همه نقش‌داشـتن جریان اصلاحـات را در ماجرا و دوم خودسـرنبودن عوامـل قتل را؛ «ایـن گفته آقای پورمحمدی که آقای عالیخانی از بچه‌های سـپاه بود، صحت ندارد. اینکه می‌گوید کار خودسـرها نبود و در سیسم اتفاق افتاد، صحت ندارد. اگر قتل‌ها در سیستم اتفـاق افتاد و عوامـل اصلی این جنایت خودسـر و محفلی نبودند، چرا در پروژه‌ای با این اهمیت جانشین معـاون امنیـت آن را مدیریت کرد نه خـود معاون امنیت؟ اگر تصمیم سیسـتم بود، چرا مسئول اصلی، یعنی معـاون امنیـت، از اجـرای آن بی‌اطلاع بود؟ آقای مصطفی کاظمی در جلسه دادگاه اعلام کرد که سوژه‌ها را خودم انتخاب می‌کردم و قتل همسر فروهر را همان زمانی که نیروها بـرای اجرای عملیات رفته بودند و چند سـاعت قبل از شـروع عملیات، تصمیم گرفتـم... جناب پورمحمـدی درباره انگیـزه عوامل اصلی جنایت مطالـب عجیبی بیان کرده‌اند؛ ازجمله اینکه آنان براسـاس تحلیل خودشـان فکر می‌کردند باید به نظام خدمت کننـد و اصلاح‌طلبان را از ورطه خطرناک نجات دهند و نگذارند که ضدانقلاب به آنان بچسبد و ما ناچار باشیم حوادث سال ۶۰ و جنگ‌های خیابانی را تکرار کنیم و ما عملیات پیش‌دستانه انجام دادیم....چپ یا راست‌بودن عوامل اصلی قتل‌ها نیز با واقعیـت تطابق ندارد؛ هرچند برخی از آنان تظاهر به اصلاح‌طلبی و برخی تظاهر به اصولگرایی می‌کردند. اگـر مدیران اصلی قتل‌ها اصلاح‌طلب و طرفدار آقای خاتمی بودند، چرا پـس از موضع‌گیری آقای خاتمی دربـاره قتـل فروهر و جنایـت نامیـدن آن، قتل‌های مختاری و پوینده را انجام دادند؟ و اگر آقایان سـعید امامـی و مهرداد عالیخانی اصولگرا و راسـت بودند، چرا آقای مصطفی کاظمـی که مدعی‌اند «چپ تند» بود، سـال‌ها از مدیران اصلی آقای سعید امامی بود و با آقای عالیخانی همکاری بسـیار نزدیک داشت؛ در حدی که مشـترکا پروژه‌ای به این اهمیت و حساسیت را پیش برده و مدیریت کنند؟».

با نگاهی به ادعای محمدعلی نجفی در قتل میترا استاد بررسی شد

مهدورالدم کیست؟

شـرق: از زمان قتل میترا اسـتاد بارها واژه مهدورالدم دربـاره مقتول به عناویـن مختلفی مانند گرایش دینی مقتول یـا تهدید به برقراری رابطه با افرادی خارج از ازدواج مطرح شـده است. حال این پرسش مطرح است که آیا باور نجفی در مهدورالدم‌بودن میترا اسـتاد حجتی بر دادگاه اسـت تا قصاص را از نجفی بردارد یا باید شـواهد و مدارک مطابق قانون بررسی شـوند تا این موضوع رد یا اثبات شـود. آنچه مسلم اسـت، این است که مهدورالدم‌بودن در پرونده‌های بسـیاری دلیل قتل عنوان می‌شـود و قاتل مدعی است که بر اثر شواهد و مدارکی به این باور رسیده است که مقتول مهدورالدم بوده و باید مانع ادامه حیات او می‌شـده است. در پرونده قتل میترا اسـتاد، نجفی در نامه‌ای که زمان قتل نوشـته است، مدعی شده که میترا اسـتاد بارها به او گفته است «تا خیانت نکنم و با مردهای اجنبی ... دسـت برنمی‌دارم» یا اینکه بنا بر اعلام نماینده دادسـتان «متهم در آخر دست‌نوشته خود چنین گفته است که این مسائل او را به این نتیجه رساند که مقتوله مهدورالدم اسـت و برای همین کار را یکسره کرده‌ام و از همه ملت ایران عذرخواهی می‌کنم». آیا این جملات مصداق مهدورالدم‌شدن مقتول اسـت؟ یکی از فواید اثبات مهدورالدم‌بودن مقتول این اسـت که قاتل به قصاص و پرداخت دیه محکوم نخواهد شـد؛ ازاین‌رو بسـیاری از افـراد بعد از ارتکاب قتل تصمیم می‌گیرند دلیـل قتل را مهدورالدم‌بودن مقتول عنوان کنند.

مهدورالدم‌بودن شامل چه مواردی است؟

مهـدور از واژه هدر و به معنای باطل‌بودن اسـت و مهدورالدم یعنی کسـی که خونش هدر اسـت و قانون از خون او حمایت نمی‌کند و کشتن او قصـاص و دیه‌ای نخواهد داشـت. در مقابل محقون‌الـدم به معنای کسـی اسـت که خونش پاک بوده و مورد حمایت قانون اسـت؛ بنابراین کشـتن او موجب قصاص خواهد بود. وقتی قاتل مدعی مهدورالدم‌بودن مقتول می‌شـود، به دنبال راه نجاتی از قصاص است؛ زیرا طبق قانون قتل مهدورالدم در مواردی بر شـخص مکلف، واجب شـده است؛ مانند قتل سـاب النبی که در مواردی جایز و مباح اسـت؛ مانند ارتکاب قتل در مقام دفاع مشـروع، در ایـن موارد، بحث از مجازات و شـرایط قصاص معنایی نخواهد داشـت و گروهی در برابـر همه مسـلمانان مهدورالدم قلمداد می‌شـوند (مهدورالدم مطلق) و گروهی که در برابر شـخص یا اشخاص خاصی مهدورالدم هستند (مهدورالدم نسبی) قلمداد می‌شوند که اگر غیر از این افراد شخصی مرتکب قتل شود، مجازات خواهد شد.

مسـتند این توضیح ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ اسـت که پنج دسـته از افراد را مهدورالدم معرفی کرده است. به موجب ایـن ماده مرتکب جنایت علیه این اشـخاص به قصـاص و پرداخت دیه محکوم نمی‌شـود. سه دسته از این افراد به طور مطلق یعنی درباره همه افراد مهدورالدم محسـوب می‌شوند که عبارت‌اند از: «مرتکب جرم حدی مسـتوجب سلب حیات، مرتکب جرم حدی مستوجب قطع عضو مشروط بر اینکه جنایت واردشده بیش از مجازات حدی او نباشد و شخص متجاوز و کسی که تجاوز او قریب‌الوقوع اسـت». دو فقره دیگر درباره همه افراد مهدورالدم نیسـتند که عبارت‌اند از: «مستحق قصاص نفس یا عضو فقط درباره صاحب حق قصاص و به مقدار آن و زانی و زانیه فقط درباره شوهر زانیه در غیر مواردی اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است».

قتل با ظن اشتباهی در مهدورالدم‌بودن مقتول

اما دراین‌بین یکی از موارد مهمی که ممکن اسـت منجر به قتل شود و فرد از قصاص رهایی یابد، مربوط به مفاد ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی اسـت. براساس این قانون گاه ممکن است کسی مستحق قصاص نبوده و مهدورالدم هم نباشد؛ اما دیگری او را مستحق قصاص یا مهدورالدم تصور کرده و به قتل برساند که در چنین حالتی مرتکب، قصاص نمی‌شود؛ بلکه فقط محکوم به پرداخت دیه می‌شـود. در واقـع چنین قتلی قتل عمدی اسـت؛ اما عنصر روانی مرتکب مخدوش اسـت؛ زیرا او قصد کشـتن فرد بی‌گناهی را نداشته. در واقع درست است که در عمل انسان بی‌گناه کشته شده؛ اما مرتکب فکر می‌کرده که او گناهکار است.

مانند آنچه در ذیل آیه ۹۲ سوره نساء آمده است «ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمنا الا خطا» آمده اسـت: حارث بن یزید، از بت‌پرستان مکه، با همراهی ابوجهل، عیاش بن ابی ربیعه را به جرم مسلمان‌بودن مورد آزار و شکنجه قـرار می‌دادند. بعد از مهاجرت مسـلمانان از مکه به مدینه روزی عیاش، شـکنجه‌گر خود یعنی حـارث بن یزید را دید و او را بـه تصور کافربودنش به قتل رسـاند. با توجه به اینکه حارث بن یزید، اسـلام آورده بود و عیاش اطلاع نداشـت، خبر به پیامبر (ص) رسـید و آیه شـریفه فوق نازل شد. با توجـه به خطای اعتقاد قاتل، حکم به پرداخت دیه و کفاره شـده اسـت؛ اما وقوع چنین اشـتباهی هم شـرایط خاص خود را دارد و اثبات اعتقاد به مهدورالدم‌بودن به سـادگی بیان آن نیسـت و صرف ادعا قاضی را مجاب نخواهـد کرد تا حکم به سـقوط قصـاص قاتل دهد؛ ازاین‌رو کم نیسـتند افرادی که چه با ادعای دفاع مشـروع یا ادعای تشخیص مهدورالدم‌بودن مقتول مرتکب قتل شـده‌اند و در همه مراحل تحقیق و بازپرسی بر ادعای خـود پافشـاری کرده‌اند؛ امـا در دادگاه ادعای آنهـا رد و آنها به قصاص محکوم شـده‌اند. برای مثال دفاع مشـروع جز با تحقق شرایط قانونی آن پذیرفتنی نیست یا صرف یک شک و تردید درباره وجود رابطه همسر با یک فرد دیگر نیز دلیلی بر مهدورالدم‌بودن نبوده و نیست؛ بنابراین چنین ادعایی اگر اثبات نشود، مجازات قصاص را به دنبال خواهد داشت.

توضیح

تصحیح درباره مصاحبه حسین مرعشی

● پیرو انتشار مصاحبه آقای حسین مرعشی در صفحه اول روزنامه ۲۲ تیرماه، ایشان طی تماسی با دفتر روزنامه اعلام کردند که «بر اساس شنیده‌ها استنباط من این بود که آقای قاضی‌زاده‌هاشمی، کاندیدای ریاست‌جمهوری است، ولی امروز مطلع شدم که ایشان کاندیدا نیستند و از این طریق از آقای قاضی‌زاده‌هاشمی و خوانندگان روزنامه پوزش می‌طلبم».

خبر

نگرانی از وضعیت جسمی مرضیه امیری

● **شـرق:** خانـواده مرضیـه امیـری، روزنامه‌نگار بازداشـتی روزنامه «شـرق»، از وضعیت جسمی او در زنـدان ابراز نگرانی کردند. سـمیرا امیری، خواهر مرضیه امیری، در گفت‌وگو با «شرق» گفت: «خواهرم افت فشـار خون دائمی، سرگیجه مداوم و خون‌ریزی گوارشـی دارد و بیماری پوستی نیز گرفته است. او با کاهش شـدید وزن هم مواجه شده است». او افزود: «مرضیه مبتلا به بیماری صرع است. یک‌بار در زندان دچار حمله صرع شده، اما مسئولان زندان درخواست خانواده و مرضیه را برای اعزام به بیمارسـتان قبول نکرده‌انـد». مرضیه امیری، ۱۱ اردیبهشـت در جریان پیگیری تجمعی بازداشت شد. این تجمع که هم‌زمان با روز کارگر برگزار شد، با بازداشت قریب به ۵۰ نفر از آنها پایان یافـت. مرضیه امیری نیز در جریان پیگیری وضعیـت بازداشت‌شـدگان، فعالان دانشـجویی و کارگـری که مقابل مجلـس تجمع کـرده بودند در منطقه ارگ تهران بازداشت شد.

یک منبع آگاه خبرداد

تکذیب تأخیر معرفی کاندیداهای حقوق‌دان شورای نگهبان

● **خانـه ملت:** یـک منبـع آگاه در مورد شـایعه تأخیر در ارسـال نامه رئیس قوه قضائیه به اداره کل هیئت‌رئیسـه گفت: این نامه پـس از وصول به دفتر رئیس مجلس، بلافاصله به دسـتور رئیس مجلس به اداره کل هیئت‌رئیسـه برای قراردادن در دسـتور جلسه مجلس ارسال شد و تمام مطالب منتشرشده در این خصوص در فضای مجازی کذب محض است. البتـه انقلابی‌نماها بـا این دروغ‌ها زندگی سیاسـی می‌گذرانند. گفتنی است رئیس قوه قضائیه در نامه‌ای به مجلس شـورای اسلامی پنج کاندیدای حقوق‌دان شورای نگهبان را معرفی کرد که بر این اساس آقایان علی غلامـی، هادی طحان‌نظیـف، محمد دهقان و محمدحسـن صادقی‌مقدم و یک قاضی از گزینه‌های پیشـنهادی به قوه مقننه هسـتند. انتخاب سه عضو حقوق‌دان شورای نگهبان از بین افراد معرفی‌شده از سـوی قوه قضائیه در دستور کار هفته جاری مجلس شورای اسلامی قرار دارد که سه‌شنبه (۲۵ تیرماه) این اعضا انتخاب خواهند شد.

کشف و ضبط بزرگ‌ترین باند قاچاق اسلحه توسط وزارت اطلاعات

● **تسنیم:** با تلاش سـربازان گمنام امام زمان(عج) بزرگ‌ترین باند قاچاق اسـلحه توسط سربازان گمنام آقا امام زمان(عج) گلستان کشف و ضبط شد. در این عملیات سـربازان گمنام امـام زمان(عج) ۱۹۱ قبضه سلاح غیرمجاز کشف شد و در همین زمینه چهار نفر دستگیر و تحویل مراجع قضائی شدند.

معاون حقوقی رئیس‌جمهور:

بسامان‌شدن کشور در گرو مشارکت مردم است

● **ایسـنا:** معاون حقوقی رئیس‌جمهور گفت: هیچ دولتـی در اداره کشـورش توفیق پیـدا نمی‌کند، مگر اینکه مردمش در اداره امور مشـارکت داشته باشند. لعیـا جنیـدی، در آیین رونمایـی از منشـور حقوق شـهروندی مشـهد، تصریح کرد: هیچ دولتی در اداره کشـورش توفیق پیدا نمی‌کند، مگر اینکه مردمش در آن مشارکت داشته باشـند و باید این مسئله پررنگ‌تر شـود. وی افزود: بخش کثیری از حقوق شـهروندی با حقوق بشـر همپوشـانی دارد. حقوق شهرنشینی، حقوق بشـری است منطبق‌شده بر زمان و مکان و اگر قرار بود مفاهیم حقوق بشـر را عینی کنیم، کثیری از آن یکی است. بخشـی هم ممکن است اختصاصات مربوط به مکان باشد. جنیدی با اشاره به اینکه «حتی در حـوزه حقوق جزا صحبت از حقوق ترمیمی داریم و باید از مردم اسـتفاده کنیم»، بیان کرد: حق شورای شـهر مشـهد اسـت که قدم‌های دیگری بـردارد و مشارکت مردم را داشته باشد. سیستم سیاسی و اداره برای کشور ایران سیستمی غیرمتمرکز است. اگر مردم اظهارنظر کنند موجب می‌شـود که کمک و مشارکت در پروژه داشـته باشند. معاون حقوقی رئیس‌جمهور با بیان اینکه «حق بر فضای شهری بسیار مهم است»، خاطرنشان کرد: یکی از بزرگ‌ترین مشکلات شهری ما ساخت‌وسـازهای بی‌رویه و خروج از محدوده است. همچنین حاشیه‌نشـینی از مشـکلات جدی است که مدیریت شـهری بایـد ورود پیدا کند. ایمنـی از دیگر مسـائل بسیار مهم اسـت. حق بر ایمنی؛ چه از منظر اطلاع‌رسانی و افزایش آمادگی، اهمیت زیادی دارد.